

بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان

* دکتر سید جواد امام جمعه زاده

** محمودرضا رهبرقاضی

*** امید عیسی نژاد

**** زهره مرندی

چکیده

مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آنان در روند

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان (javademam@yahoo.com)
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (jamalrahbar2003@yahoo.com)
*** دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان (farhangmad@gmail.com)
**** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (zohremarandi@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۳۴-۷.

اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، دانشجویان هستند. مشارکت سیاسی دانشجویان که بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه اصفهان است. این مطالعه بر روی ۱۸۸ نفر از دختران و پسران دانشجوی دانشگاه اصفهان صورت گرفته است؛ برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه‌ای استفاده شده که اعتبار آن، به روش صوری، و پایایی آن، به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی)، به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی عوامل روان‌شناختی - نگرشی و شیوه مشارکت (رسمی یا غیررسمی)، مشاهده می‌شود که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی.

مقدمه

بررسی مشارکت سیاسی در چهارچوب ساختارهای احاطه شده اجتماعی، راه را برای یک چشم‌انداز وسیع در مورد مشارکت سیاسی هموار کرده و توجه را به سمت نکات مبهم و باریک که به آن، دقت نشده است جلب می‌کند. بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر روی مشارکت سیاسی، از نوع تعیین ویژگی‌های شخصیتی مشارکت‌کنندگان و یا از نوع تعیین ویژگی ساختارهای سیاسی کشورها بوده که به دلیل بی‌توجهی به شبکه روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) یعنی عوامل غیر اقتصادی، مورد انتقاد قرار گرفته است. امروزه مشارکت سیاسی از دید دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی فرایندی است که در شبکه متغیری از روابط اجتماعی واقع شده و این روابط اجتماعی می‌توانند رابطه بازیگران را با منابع و فرصت‌ها، محدود یا تسهیل کنند. منظور از شبکه، مجموعه‌ای از افراد است که از طریق روابط خاصی با یکدیگر در ارتباط هستند. این تحقیق به دنبال بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی است و برای بررسی شبکه روابط اجتماعی از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. این سرمایه از مفاهیم نوینی است که نقش بسیار مهم‌تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد و به‌تازگی در علوم سیاسی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباط‌های میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی باارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا و جامعه می‌شود.

مشارکت سیاسی

محققان مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند^(۱) از دیدگاه برکلی «مشارکت حقی انسانی است که به لحاظ ارزشی به آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان و از لحاظ ابزاری به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای علمی حیات اجتماعی منجر می‌شود. مشارکت بخش جوهری و اساس رشد انسان است و آن توسعه خوداعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین تحولی در درون مردم هرگونه تلاش برای نابودی فقر و عقب‌ماندگی اگر غیرممکن نباشد، دست‌کم با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد.»^(۲)

در این راستا، مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود^(۳) و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام، همان جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجراست.

مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد. بنا به تعریفی، شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود.^(۴) به بیانی دیگر، فعالیت اجتماعی داوطلبانه افراد یک جامعه که افراد در آن احساس می‌کنند مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی و یا انتخاب رهبران مشارکت دارند، ذیل مفهوم مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود.^(۵) همچنین از دیدگاه وینر، مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. در

یک معنای کلی، و با توجه به تعاریف بالا، مشارکت سیاسی را می‌توان چنین تعریف کرد:

«فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند و این فعالیت‌ها ممکن است یا حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شوند».

از سوی دیگر، مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن از منظرهای متنوع و متفاوتی مورد مطالعه قرار گرفته و هر صاحب‌نظری این پدیده را از نگاه خویش و متناسب با فضای اجتماعی جامعه خویش مورد مطالعه قرار داده است. دسته‌ای مشارکت سیاسی را از بُعد روانی و ذهنی می‌نگرند. بدین معنی که افراد انسانی ویژگی‌های شخصیتی و روانی مختلفی دارند که برخی از این ویژگی‌ها افراد را مستعد و علاقه‌مند به مشارکت سیاسی می‌کند و برخی دیگر، آنها را از مشارکت سیاسی منفعل و منصرف می‌گرداند. در اینجا دو دیدگاه مهم وجود دارد: نخست، نظریه اثربخشی است. به نظر رابرت دال، کسانی که اعتقاد دارند می‌توانند بر فرایندهای سیاسی اثر بگذارند بیش از دیگران در امور سیاسی مشارکت می‌کنند.^(۱) دومین دیدگاه، نظریه سودمندی است. در این راستا، لیپست ارتباط اقدامات و تصمیمات دولت با منافع گروه‌های اجتماعی خاص را در مشارکت سیاسی مؤثر می‌داند. مثلاً گروه‌هایی که در معرض فشارهای اقتصادی هستند و یا گروه‌هایی که دارای ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و مذهبی خاصی هستند که از سیاست‌های دولت متأثر می‌شوند، بیشتر به مشارکت سیاسی مبادرت می‌ورزند.^(۲)

دسته‌ای دیگر حضور احزاب سیاسی و شفافیت برنامه‌های آنها را عامل توسعه سیاسی و مشارکت بالای شهروندان می‌دانند. این محققان رفتار سیاسی کنشگران در عرصه‌های سیاسی را تابعی از حضور و فعالیت نهادها و احزاب سیاسی می‌دانند. در جامعه‌ای که احزاب سیاسی بیشتر و شفافیت اهداف و برنامه‌های آنها مشخص‌تر

باشد، مشارکت‌کنندگان، جریان‌های سیاسی را بهتر درک کرده و حجم مشارکت سیاسی بیشتر خواهد بود.^(۸)

برخی نیز مشارکت سیاسی را تابعی از نوسازی و رشد فرهنگی می‌دانند. مثلاً لرنر معتقد است تحول جامعه سنتی به مشارکتی، پیامد منظم تغییر در سه جنبه است: ابتدا شهرنشینی افزایش می‌یابد، سپس در درون شهرها دو عامل سواد و دسترسی به رسانه‌ها گسترش پیدا می‌کند. در مرحله‌ای که فناوری صنعتی تا اندازه‌ای پیشرفت می‌کند، جامعه شروع به تولید روزنامه، رادیو و... می‌کند و این امر به نوبه خود گسترش سواد را موجب می‌شود. این تعامل نیز نهادهای مشارکت را توسعه داده و به تقویت همبستگی منجر می‌گردد.^(۹)

صاحب‌نظران دیگری نیز هستند که مشارکت سیاسی را از منظر سرمایه فرهنگی بررسی می‌کنند. از دیدگاه آنها سرمایه فرهنگی جریان مشارکت و سطح آن را هدایت می‌کند؛ یعنی به دلیل تفاوت میزان سرمایه فرهنگی در افراد الگوهای مشارکت اجتماعی و سیاسی طبقات بالای جامعه با الگوهای مشارکت اجتماعی و سیاسی طبقات پایین جامعه تفاوت خواهد داشت.^(۱۰)

تعریف سرمایه اجتماعی

به نظر می‌رسد یکی از عوامل دیگری که بر روی مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، سرمایه اجتماعی است. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهد نوعی همبستگی مثبت میان این دو پدیده وجود دارد.^(۱۱) سرمایه اجتماعی ضمن تعدیل روابط به بهبود انسجام، همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آنها با دولت می‌شود.^(۱۲)

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که کاربرد آن هر روز در حال افزایش است؛ اما این مفهوم دارای چهارچوب و تعریف مشخصی نیست.^(۱۳) علت اصلی تکثر تعاریف سرمایه اجتماعی ناشی از این امر است که ماهیت این مفهوم به گونه‌ای است که در هر بستر اجتماعی و فرهنگی به شکلی خاص درمی‌آید و دیگر اینکه، مفهوم‌بندی و عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی امری بسیار پیچیده و مشکل است. به

همین دلیل توافقی در مورد تعریف سرمایه اجتماعی وجود ندارد، و تعاریف خاص مورد تأیید هر پژوهشگری به ذهنیت و سطح کار پژوهشی او بستگی دارد. برخی از تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی در جدول زیر ارائه شده است.

اندیشمندان	تعاریف سرمایه اجتماعی
بورديو	حاصل جمع منابع اجتماعی‌ای که تحت شرایط معینی قابل تغییر است. ^(۱۴)
پورت	توانایی بازیگران برای تأمین منافع توسط عضویت در شبکه‌های اجتماعی ^(۱۵)
کلمن	سرمایه اجتماعی توسط کارویژه‌هایش تعریف می‌شود. این مفهوم عنصری مجرد نیست، بلکه از عناصر متعددی تشکیل می‌شود که دارای دو ویژگی مهم است: ۱) شامل برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی است؛ ۲) به رفتارهای افرادی که در درون ^(۱۶) این ساختارها قرار دارند، جهت می‌دهند.
فوکویاما	توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر در درون گروه‌ها و سازمان‌ها به منظور رسیدن به اهداف مشترک. ^(۱۷)
پوتنام	ویژگی‌هایی که همکاری افراد برای رسیدن به منافع متقابل را تسهیل می‌بخشد. ^(۱۸)
لوری	مجموعه‌ای از منابع که در سازمان‌های اجتماعی به صورت ذاتی وجود دارد و در جامعه‌پذیری افراد و رشد شناختی - اجتماعی مؤثر ^(۱۹) است.
وولکاک	اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابلی که در روابط اجتماعی انسان‌ها ماندگار است. ^(۲۰)

سرمایه اجتماعی نوع خاصی از ذخایر و منابعی است که در دسترس کنشگر قرار می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی به عنوان ذخیره و منبعی سودمند سبب تسهیل کنش‌های کنشگران می‌شود.^(۲۱) به عقیده آسلانر سرمایه اجتماعی به جای توجه به منافع فرد به تعهدات افراد نسبت به دیگران و دیگرخواهی توجه دارد؛ به طوری که حیطة وسیعی درباره ارزش‌ها، روابط اجتماعی و تعهدات مدنی را به وجود می‌آورد. این ارزش‌ها و روابط اجتماعی مشکلات کنش جمعی مردم را حل می‌کنند و به آنها امکان می‌دهند که از منافع فردی در راستای خیر عمومی صرف نظر کنند.^(۲۲) در یک معنای کلی، و با توجه به تعاریف بالا، سرمایه اجتماعی را می‌توان چنین تعریف کرد:

«سرمایه اجتماعی دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط

متقابل بین اعضای یک گروه است؛ به طوری که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند. لذا این مفهوم برای پیشبرد و سهولت در عملکرد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه عاملی ضروری به شمار می‌رود».

سطح‌بندی سرمایه اجتماعی

به‌رغم اینکه در مورد سطوح سرمایه اجتماعی، اجماعی کلی بین محققان وجود ندارد، ولی بیشتر آنها سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان تقسیم کرده‌اند. در سطح خرد از تعریف سرمایه اجتماعی بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد، هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آن تأکید می‌شود. بوردیو در همین سطح به بحث از سرمایه اجتماعی می‌پردازد.^(۲۳) سطح میانی نخستین بار توسط کلمن مطرح شد. او در تعریف خود از سرمایه اجتماعی، این مفهوم را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که علاوه بر پیوندهای افقی، شامل پیوندهای عمودی نیز می‌شود و روابط میان گروه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. سرانجام در سطح کلان تعداد زیادی گروه‌های داوطلبانه بر مبنای روابط افقی و اعتماد وجود دارند که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند و همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند. پوتنام و فوکویاما در همین سطح به سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی موجب عملکرد بهتر نهادهای دموکراتیک حکومتی شده و از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی نظم اجتماعی را حفظ می‌کند و تداوم می‌بخشد.^(۲۴)

ابعاد سرمایه اجتماعی

امروزه یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین اندیشمندان اجتماعی این است که سرمایه اجتماعی را چگونه تعریف و اندازه‌گیری کنند. این مسئله بحث و انتقادهای زیادی را در محافل دانشگاهی به همراه داشته است. برای اینکه در اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی دقت زیاد تئوریک حاصل کنیم، درک صحیح مفهوم سرمایه اجتماعی که مبنایی برای چهارچوب تجربی است، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر از آنجاکه در عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی، باید ابعاد این سرمایه را به دقت مورد بررسی قرار داده و درک کنیم، به بررسی و مذاقه ابعاد سرمایه اجتماعی از

دیدگاه‌های مختلف خواهیم پرداخت:

الف) ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پوتنام

- وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی؛
 - سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی؛
 - هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر؟
- در اینجا شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کنند.^(۲۵)

ب) ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن

- تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی دارند؛
- ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم آورد؛
- وجود هنجارهایی که همراه با ضمانت اجرایی مؤثر باشند.^(۲۶)

ج) ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه گروه‌کندی در دانشگاه هاروارد

- این گروه هشت بُعد را برای سرمایه اجتماعی مطرح می‌کنند: اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی، و سرانجام تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها.^(۲۷)

د) ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه ناهاپیت و گوشال

- ناهاپیت و گوشال در تحقیقات خود پیرامون نقش سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌کنند که سرمایه اجتماعی در سه بعد باید مورد توجه قرار بگیرد: ساختاری، ارتباطی و شناختی.^(۲۸) کارلوس گارسیا تیمون می‌گوید ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی مرتبط با توانایی فرد در برقراری پیوندهای ضعیف و قوی با دیگران در یک سیستم است. این بعد اساساً مربوط به منافع حاصل از ساختار شبکه‌های فردی و جمعی شخص عامل است.^(۲۹) بعد ارتباطی بر ویژگی‌های رابطه بین افراد تمرکز

دارد. این بعد را به بهترین نحو با میزان اعتماد، همکاری اجتماعی و کسب هویت فردی از طریق احساس تعلق در درون یک شبکه می‌توان تشریح کرد. سرانجام، بعد شناختی در مورد درک و معانی مشترکی است که افراد و گروه‌ها از یکدیگر دارند.^(۳۰)

ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

بر اساس نظریه پوتنام سه شاخص عمده که برآیندی از وجود سرمایه اجتماعی است، برای نمایان ساختن رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی مطرح می‌شود که عبارتند از:

الف) اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

برخی از محققان به دنبال تشخیص چگونگی تأثیرگذاری حوزه‌های شناختی و معرفتی - جایی که اعتماد اجتماعی به آن تعلق دارد - بر الگوهای رفتاری انسان‌ها بوده‌اند. به نظر لومن اعتماد اجتماعی از طریق مکانیسم کاهش پیچیدگی‌های ارتباطی سبب می‌شود که افراد مرزهای رفتاری خویش را به فراسوی مرزهای محدود موجود گسترش دهند.^(۳۱) سکولز و لوبل استدلال می‌کنند که اعتماد اجتماعی به شکل مؤلفه‌ای عمل می‌کند که افراد را به سمت رفتارهای مشارکتی، به ویژه هنگامی که اطلاعات فرد در حد کافی نباشد، تشویق می‌کند.^(۳۲) تحقیقات یاماگاشی و همکارانش نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی مانند تخته پرشی عمل می‌کند که افراد را از جهان امن اما محدود رها کرده و آنها را به سمت فرصت‌هایی گسترده‌تر که بیرون از جهان قبلی قرار دارند، حرکت می‌دهد.^(۳۳) همچنین فوکویاما از یک نقطه نظر اقتصادی استدلال می‌کند که اعتماد متقابل افراد به همدیگر از طریق کاهش هزینه‌های ارتباطات و تبادلات منجر به گسترش مشارکت در جامعه می‌شود.^(۳۴)

از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی معتقدند برای اینکه اعتماد اجتماعی منجر به مشارکت سیاسی شود، باید این اعتقاد در افراد به وجود آید که دولت مطابق با انتظارات و توقعات هنجاری مردم عمل می‌کند.^(۳۵) مطابق با یافته‌های موی و شوفل حوزه‌های مختلف اعتماد اجتماعی با همدیگر

ارتباط دارند به طوری که اعتماد سیاسی می تواند به شکل امتداد اعتماد تعمیم یافته به دیگران دیده شود.^(۳۶) فقدان اعتماد سیاسی نشانگر عدم مشروعیت حکومت، نارضایتی و بیگانگی افراد است؛ عواملی که علت اصلی اکراه افراد از مشارکت در فعالیت های سیاسی است.^(۳۷)

البته تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی همواره مورد مناقشه بوده است. مطابق با دیدگاه های نیوتون، اعتماد سیاسی در سطحی پایین تر از اعتماد اجتماعی قرار دارد؛ جایی که ریسک ها بیشتر و قابلیت های پیش بینی کمتر است^(۳۸) و چون سیاستمداران اغلب توسط اطلاعات دست دوم مورد قضاوت قرار می گیرند، اعتماد به شخصیت های سیاسی ضرورتاً مشابه اعتماد اجتماعی نیست.^(۳۹) همچنین ویلکینز استدلال می کند اعتماد سیاسی با سرمایه اجتماعی و ارزش های دیگر ناسازگار است. به علاوه، اعتماد سیاسی یا اعتماد به نظام سیاسی هیچ ارتباطی با مشارکت سیاسی و یا حتی دلسردی از آن ندارد. طبق این دیدگاه، به نظر می رسد میزان معینی از بی اعتمادی سیاسی می تواند نوعی شک سازنده را به وجود آورد، به طوری که منجر به مشارکت سیاسی شود.^(۴۰)

همچنین برخی از اندیشمندانی که از اخلاق گرایی حمایت می کنند و دیدگاهی اخلاقی نسبت به مقوله اعتماد دارند، اعتماد اجتماعی را ناتوان از حل معضلات گروهی یا تقویت رفتارهای مشارکت آمیز در انسان ها می دانند.^(۴۱) آنها استدلال می کنند اعتقاد به اعتماد اجتماعی که در دوران کودکی شکل می گیرد، تحت تأثیر نگاه خوش بینانه به جهان یا همان رضایت از زندگی به وجود می آید.^(۴۲) در این راستا، سوفل معتقد است بدون توجه به کارکرد اعتماد به عنوان یک بنیان اخلاقی و یا به عنوان یک عامل انگیزشی، سرمایه اجتماعی هیچ تأثیری بر روی مشارکت سیاسی نمی گذارد.^(۴۳)

ب) شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی

بسیاری از تحقیقات نشان می دهند میان شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی ارتباط نزدیکی وجود دارد. وریا و همکاران او در کتاب صدا و برابری استدلال می کنند که بازیگران درون یک شبکه اجتماعی بیش از افراد منزوی و منفعت طلب

در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مشارکت می‌کنند. آنها معتقدند پیوندهای بینافردی، دوستانه و خانوادگی تقاضا برای مشارکت سیاسی در افراد را افزایش می‌دهد. نویسندگان این کتاب معتقدند میزان مشارکت شبکه‌های اجتماعی در فعالیتهای اجتماعی ۶۷ درصد، فعالیتهای اعتراضی ۶۸ درصد و کارهای تبلیغاتی ۵۶ درصد بود. علاوه بر این، آنها استدلال می‌کنند هنگامی که از درون شبکه‌های اجتماعی گروه‌های جدیدی به وجود می‌آیند، این گروه‌های جدید بیش از دیگران در فعالیتهای سیاسی درگیر می‌شوند.^(۴۴)

لورین استدلال می‌کند که شبکه‌های اجتماعی بینا فردی، خواه قوی و خواه ضعیف، تأثیر مستقیمی بر انتخاب کاندیداها، پیوند گروه‌ها، عقاید افراد در مورد مسائل مهم کشوری و کنترل جهت‌گیری‌های سیاسی افراد دارند.^(۴۵) کنترل بر کوویترز نیز استدلال می‌کند مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل از قبیل قومیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، انجمن‌های غیر سیاسی، نگرش‌های روان‌شناختی و شبکه پیوندهای دوستی وجود دارند که بر روی فعالیتهای سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند.^(۴۶) گست و اروسپا استدلال می‌کنند که شبکه‌های دوستی، به‌ویژه شبکه‌هایی که گروه‌های محلی را با گروه‌های فرامحلی پیوند می‌دهند، منابع اطلاعات سیاسی را به منظور مشارکت افراد در اختیار آنها قرار می‌دهند. آنها همچنین استدلال می‌کنند پیوندهای دوستی احتمالاً فعالیتهای سیاسی، به‌ویژه فعالیتهایی را که نیازمند همکاری با دیگران است، تسهیل می‌کند.^(۴۷)

لک و هوکفلد معتقدند سرمایه اجتماعی تولیدشده در درون شبکه‌های اجتماعی احتمال مشارکت فرد در حوزه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. آنها همچنین اعلام می‌کنند سرمایه اجتماعی مرتبط با حوزه‌های سیاسی محصول سه امر است: (۱) نخبگان درون شبکه‌های اجتماعی؛ (۲) میزان تعاملات درون شبکه‌های اجتماعی؛ (۳) اندازه و وسعت شبکه‌های اجتماعی.^(۴۸) نوک نشان می‌دهد هرچه میزان گفت‌وگوی افراد در مورد مسائل سیاسی با دوستان خود بیشتر باشد، علاقه و مشارکت آنها در انتخابات ملی افزایش می‌یابد.^(۴۹) سرانجام، اسمیت (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که روابط گسترده با دیگران، در حوزه‌های مختلف، مهم‌ترین متغیر پیش‌بین مشارکت اجتماعی - سیاسی است.^(۵۰)

ج) هنجارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی

برخی از محققان معتقدند افراد به دنبال منابع و الگوهایی برای راهنمایی آنها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند و یکی از مهم‌ترین این الگوها هنجارهای اجتماعی است.^(۵۱) هنجارهای اجتماعی می‌توانند به اشکال مختلفی از جمله هنجارهای توصیفی (رواج و شیوع ارزش‌ها و رفتارهای مشخص در جامعه) و یا تأکیدی (رفتارهای مورد پذیرش جامعه) وجود داشته باشند و این هنجارهای اجتماعی بر طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد تأثیر می‌گذارد.^(۵۲) مکانیسم تبیین رابطه هنجارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی بدین گونه است که انسان‌ها نیاز به احساس تعلق دارند و نمی‌توانند به صورت منزوی و تنها زندگی کنند، و هنگامی که آنها به رفتارهای مورد پذیرش جامعه دست می‌زنند میزان پذیرش آنها در گروه‌های مربوط به آن افزایش می‌یابد.^(۵۳)

گربر و روجرز از جمله اندیشمندانی هستند که به بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر جمعیت رأی‌دهنده پرداخته‌اند. تحقیقات آنها نشان می‌دهد هنگامی که تأثیر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در جامعه در سطح پایینی قرار دارد، میزان شرکت در انتخابات تا حد چشمگیری کاهش می‌یابد. اما هنگامی که هنجارهای اجتماعی در جامعه قوی‌تر می‌شوند، از یک سو مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، مشارکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا این روند تداوم داشته باشد.^(۵۴) گلین نیز استدلال می‌کند درک و فهم افراد از هنجارهای محیط بر آنها هم بر تصمیم‌گیری و هم بر رفتار سیاسی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد.^(۵۵) همان‌گونه که در بالا اشاره شد، علت اصلی تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی این است که افراد تلاش می‌کنند تا به گونه‌ای هماهنگ با اکثریت جامعه رفتار کنند.

اهداف پژوهش

اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان؛ بررسی میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن در میان پاسخ‌گویان؛ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان پاسخ‌گویان.

تعریف عملیاتی مفاهیم

الف) نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روان‌شناختی - نگرشی):

به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که پیش از هر اقدامی به او کمک می‌کند تا وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و ارزش‌های پذیرفته‌شده از سوی او قرار دارد.^(۵۶) متغیرهای علاقه به سیاست و پیگیری اخبار سیاسی از طریق رسانه‌ها، حس اثربخشی سیاسی و اعتماد به دولت را می‌توان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمالی مشارکت سیاسی دانست.

ب) شیوه مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی عینی)

جنبه دیگر مشارکت، مشارکت سیاسی عینی است؛ یعنی درگیری در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف، مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند. بدین منظور پژوهشگر از دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی برای سنجش مشارکت دانشجویان بهره برده است: (۱) مشارکت رسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب‌های مشخص و تعیین‌شده که به طور رسمی و برنامه‌ریزی‌شده توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد، انجام می‌دهند.^(۵۷) شرکت در انتخابات مختلف، مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی از موارد مشارکت سیاسی رسمی است؛ (۲) مشارکت غیررسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر نظام و جریان‌های سیاسی و در خارج از چهارچوب‌های تعیین‌شده و رسمی توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور انجام می‌دهند. این نحوه مشارکت شامل هرگونه فعالیت سیاسی می‌شود که در کنش متقابل بین افراد و در رابطه آنها با حکومت انجام می‌شود و ساخت و شکل از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده‌ای ندارد.^(۵۸) در این زمینه می‌توان اقداماتی مانند حضور در تظاهرات، نوشتن نامه‌ها، رأی‌گیری از افراد، امضای طومار مشارکت اینترنتی و فعالیت‌هایی از این قبیل را نام برد.

ج) اعتماد اجتماعی

دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی است که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند.^(۵۹) اعتماد اجتماعی دارای وجوه مختلفی است که در این پژوهش ابعاد اعتماد غیررسمی، اعتماد رسمی، اعتماد تعمیم یافته، قابلیت اعتماد به محیط و احساس امنیت به عنوان مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

د) شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌هایی هستند که ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند.^(۶۰) شبکه‌های اجتماعی به دو قسمت ساختار شبکه و کیفیت شبکه تقسیم می‌شوند. در ساختار شبکه به متغیرهایی همچون مشارکت در سطح محله، مشارکت در امور مذهبی، مشارکت سازماندهی شده، مشارکت در تفریح دسته جمعی، سنت‌های مدنی، عضویت در گروه‌های فرهنگی و الگوهای جدید مشارکت توجه می‌شود. در کیفیات شبکه نیز بیشتر بر انسجام اجتماعی تأکید می‌شود.^(۶۱)

ه) هنجارهای اجتماعی

مجموعه معینی از آداب و رسوم یا ارزش‌های غیررسمی که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها برقرار است، در آن سهم هستند. به نظر فوکویاما هرگونه مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها منجر به سرمایه اجتماعی نمی‌شود، بلکه آن دسته هنجارها و ارزش‌هایی که مبتنی بر صداقت، انجام تعهدات و ارتباطات متقابل بنا شده باشد، به نوعی در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر است.^(۶۲) در این زمینه می‌توان اقداماتی از قبیل همیاری و همکاری، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، احساس اثرگذاری و کارایی، ارزش زندگی، وساطت اجتماعی و حمایت اجتماعی را نام برد.

روش پژوهش

روش تحقیق این بررسی، پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان از تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی

در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بوده است. حجم نمونه ۱۸۸ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین شیوه که ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۱۸۸ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. میانگین وانحراف استاندارد سن برای دختران به ترتیب ۲۳/۱۲ و ۸/۳۴ و برای پسران ۲۲/۱۴ و ۶/۱۹ به دست آمد. میانگین و انحراف استاندارد درآمد برای کل نمونه به ترتیب ۳۴۵۲۶۷/۱۲ و ۲۱۵۸۰۷/۷۴ به دست آمد.

ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسشنامه بود که عبارتند از:

پرسشنامه محقق‌ساخته مشارکت سیاسی: برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسشنامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۴۲ پرسش است. این پرسشنامه با استفاده از مدل مشارکت سیاسی پترسون (۲۰۰۵) برای سنجش مشارکت سیاسی در امریکای لاتین و مدل وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) و مدل موحد و دیگران (۱۳۸۷) ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۴۲ پرسش انتخاب شد. پس از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضریب پایایی پرسشنامه پترسون بین ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ متغیر بوده است. در این پژوهش، نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۵ درصد بوده است. مطالعات درباره اعتبار آزمون بر اساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. این پرسشنامه به دو سطح نگرش نسبت به مشارکت سیاسی (عوامل روان‌شناختی - نگرشی) و شیوه مشارکت سیاسی (رسمی یا غیررسمی)، تقسیم شد. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی افراد است که نمره‌گذاری هر پرسش بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) است.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی: این پرسشنامه شامل سؤال‌هایی در مورد ابعاد اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بود. این ابعاد بر اساس

نظریه‌های موجود در مورد سرمایه اجتماعی (شاخص‌های پاتنام) استخراج شده و برای شاخص‌ها پرسش‌هایی طرح شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله ۵ نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و اجتماعی (با مرتبه علمی حداقل استادیار) طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۳۶ پرسش انتخاب شد. پس از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر دانشجوی پسر و ۲۰ دانشجوی دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد اعتماد اجتماعی (۱۲ پرسش)، هنجارهای اجتماعی (۱۲ پرسش) و شبکه‌های اجتماعی (۱۲ پرسش) به ترتیب برابر ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۷۱، و برای کل پرسشنامه (۳۶ سؤال) ۰/۷۷ به دست آمد. در مرحله مطالعه مقدماتی یافته‌ها نشان داد نیاز به حذف هیچ‌یک از گویه‌ها نیست. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی افراد است که نمره‌گذاری هر پرسش بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) است و در هر بُعد ۳ پرسش و در مجموع ۹ پرسش از ۳۶ پرسش به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا یافته‌های توصیفی بیان می‌شود.

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان

در هریک از ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی	میانگین	انحراف استاندارد	سرمایه اجتماعی	میانگین	انحراف استاندارد
مشارکت سیاسی رسمی	۲۳/۱۴	۳/۹۷	اعتماد اجتماعی	۲۰/۶۳	۸/۷۳
مشارکت سیاسی غیررسمی	۲۸/۶۹	۴۰/۷۰	هنجارهای اجتماعی	۱۹/۹۷	۸/۱۵
مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	۷۳/۸۲	۲۰/۷۸	شبکه‌های اجتماعی	۱۴/۶۲	۸/۵۸
مشارکت سیاسی عینی	۵۱/۶۱	۷/۴۱	نمره سرمایه اجتماعی	۵۲/۹۶	۱۶/۱۱
نمره کل مشارکت سیاسی	۶۲/۱۲۴	۰۹/۲۴			

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هریک از ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. میانگین مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی به ترتیب ۲۳/۱۴ و ۲۸/۶۹ به دست آمده و میزان مشارکت غیررسمی تا اندازه‌ای بالاتر از میزان مشارکت رسمی است. میانگین مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناسی ۷۳/۸۲ و مشارکت عینی ۵۱/۸۳ به دست آمده که بر این اساس، میزان مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناسی در میان دانشجویان بیشتر از مشارکت عینی است. در پرسشنامه سرمایه اجتماعی، میانگین بعد اعتماد اجتماعی ۲۰/۶۳ و میانگین بعد هنجارهای اجتماعی ۱۹/۹۷ و میانگین بعد شبکه‌های اجتماعی ۱۴/۶۲ است. میانگین نمره کل مشارکت سیاسی (که از جمع مقادیر حیطه‌های مشارکت به دست آمده است) ۱۲۴/۶۲ و انحراف استاندارد آن ۲۴/۰۹ و مقادیر مذکور برای نمره کل سرمایه اجتماعی به ترتیب ۵۲/۹۶ و ۱۶/۱۱ به دست آمده است.

جدول شماره ۲. همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد مشارکت سیاسی

متغیرها	مشارکت سیاسی رسمی	مشارکت غیررسمی	مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	مشارکت سیاسی عینی	مشارکت سیاسی
اعتماد اجتماعی	۰/۴۲**	۰/۴۲**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۴۳**
هنجارهای اجتماعی	۰/۶۲**	۰/۳۸**	۰/۲۸**	۰/۵۸**	۰/۵۷**
شبکه‌های اجتماعی	۰/۳۱**	۰/۲۷**	۰/۱۹**	۰/۳۸**	۰/۳۲**
سرمایه اجتماعی (کل)	۰/۴۴**	۰/۳۷**	۰/۳۰**	۰/۴۷**	۰/۴۸**

** $p < 0.01$

جدول شماره ۲ همبستگی ساده (پیرسون) هریک از سرمایه اجتماعی را با مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام همبستگی‌ها در سطح ($p < 0.01$) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی رسمی با هنجارهای اجتماعی و کمترین میزان مربوط به رابطه شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی است.

برای بررسی رابطه چندگانه سرمایه اجتماعی با هریک از ابعاد مشارکت

سیاسی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول شماره ۳ نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن شامل اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با هریک از ابعاد مشارکت سیاسی و میزان کل مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی رسمی	۰/۷۶۱	۰/۵۷۹	۰/۵۷۶	۱۰/۴۸	۷۰/۲۰	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی غیررسمی	۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۳۰	۷/۲۷	۶۶/۳۲	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۲۲	۷/۵۵	۴۴/۰۷	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی عینی	۰/۶۶	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۶۱	۶۹/۳۹	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۶۵	۶/۹۸	۵۴/۵۴	۰/۰۰۱

همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد ابعاد سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای مؤلفه‌های مشارکت سیاسی هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی رسمی ۰/۷۶ است و ضریب تعیین ۵۸ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی رسمی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی غیررسمی ۰/۵۶ است

و ضریب تعیین ۳۱ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی غیررسمی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، و شبکه‌های اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی ۰/۴۸ است. ضریب تعیین ۳۳ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی عینی ۰/۶۶ است و ضریب تعیین ۴۳ نشان می‌دهد، ۴۳ درصد واریانس‌های مشارکت سیاسی عینی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ۰/۵۲ است و ضریب تعیین ۲۷ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های نمره کل مشارکت سیاسی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی است. سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار است.

جدول شماره ۴. ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای رگرسیون هر بعد از سرمایه اجتماعی بر ابعاد مشارکت سیاسی

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیر استاندارد		متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
		خطای استاندارد	B		
۰/۰۳۶*	۲/۱۰	۰/۰۹۲	۰/۰۱۵	۰/۰۳۱	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱**	۱۳/۸۲	۰/۶۴۰	۰/۰۲۶	۰/۳۶۳	هنجارهای اجتماعی
۰/۰۱۰**	۲/۵۷	۰/۰۹۳	۰/۰۳۵	۰/۰۹۰	شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۰۱**	۵/۸۵	۰/۳۴۷	۰/۰۱۸	۰/۱۰۷	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱**	۳/۶۶	۰/۱۷۰	۰/۰۲۴	۰/۰۸۹	هنجارهای اجتماعی

۰/۰۱۹*	۲/۳۶	۰/۱۳۲	۰/۰۱۰	۰/۰۲۴	شبکه‌های اجتماعی	
۰/۰۰۱**	۵/۸۲	۰/۳۶۵	۰/۰۱۹	۰/۱۱۰	اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی
۰/۲۱۳	۱/۲۵	۰/۰۶۱	۰/۰۲۵	۰/۰۳۱	هنجارهای اجتماعی	
۰/۰۷۵	۱/۷۸	۰/۱۰۵	۰/۰۱۱	۰/۰۱۹	شبکه‌های اجتماعی	
۰/۰۰۱**	۴/۶۶	۰/۴۲	۰/۰۵	۰/۲۳	اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی عینی
۰/۰۰۲**	۳/۰۸	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۱۳	هنجارهای اجتماعی	
۰/۰۱۰**	۲/۹۷	۰/۰۹۵	۰/۰۳۱	۰/۰۹۱	شبکه‌های اجتماعی	
۰/۰۰۱**	۳/۳۰	۰/۱۵۸	۰/۰۲۳	۰/۰۷۷	اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۲**	۳/۱۱	۰/۱۷۹	۰/۰۱۰	۰/۰۳۱	هنجارهای اجتماعی	
۰/۰۰۱**	۴/۵۰	۰/۲۷۵	۰/۰۱۸	۰/۰۷۹	شبکه‌های اجتماعی	

$p < 0.05^*$ $p < 0.01^{**}$

جدول شماره ۴ ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) را به ازای رگرسیون هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهند در بعد مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی، فقط اعتماد اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارد و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است و از وزن b بالاتری برخوردار است. در سایر موارد، رابطه اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است ($p < 0.05$). همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد مشارکت سیاسی ارتباط مثبتی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی رابطه میان دو متغیر اصلی در این پژوهش یعنی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین این دو متغیر در جامعه آماری مورد نظر یعنی دانشجویان مورد بررسی در دانشگاه اصفهان اشاره دارد. پرسش اصلی پژوهش این بود که آیا رابطه‌ای میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد یا خیر؟ یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند در بعد مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی، تنها اعتماد اجتماعی به عنوان بعدی از سرمایه اجتماعی، همخوان و دارای رابطه معنی‌داری است و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری محسوب می‌شود، ولی در مجموع رابطه اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است. اعتماد اجتماعی مقوله‌ای است که رابطه درونی با روابط اجتماعی در جامعه دارد. به بیان کلمن، ویژگی‌های ذاتی روابط اجتماعی مانند سیستمی آمیخته از تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، وجود هنجارها و ضمانت اجراهای مؤثر، وجود اقتدار و... فضایی را برای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در سطح جامعه ایجاد می‌کند. نتیجه حاصل از شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، انجام مشارکت در امور مختلف و در پی آن امور سیاسی است. همچنین هنجارها و شبکه‌های اجتماعی حاکم بر جامعه انسانی، خود شکل‌دهنده رفتار افراد در جامعه در چهارچوبه‌ای خاص و از پیش تعیین شده به منظور تولید سرمایه اجتماعی و منتج از آن مشارکت سیاسی است زیرا هر اندازه از سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مصرف شود نه تنها از آن کاسته نخواهد شد بلکه به میزان آن اضافه نیز می‌شود. به عبارت ساده‌تر، کاربرد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی منجر به بازتولید سرمایه اجتماعی می‌شود و رابطه مثبت بین این مؤلفه‌ها با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی، به افزایش مشارکت سیاسی افراد در جامعه منجر خواهد شد.

البته ناگفته پیداست سرمایه اجتماعی که یکی از عوامل مؤثر و اصلی بر مشارکت سیاسی است، به راحتی و در بازه زمانی کوتاه قابل تغییر و نوسان در جامعه نیست زیرا انسجام و شکل‌یابی سرمایه اجتماعی در هسته‌های درونی و لایه‌های زیرین جامعه مانند فرهنگ و مذهب ریشه دارد و انجام می‌پذیرد. با این

توصیف سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای مشارکت سیاسی است. سرمایه اجتماعی شاخصی محسوب می‌شود که روابط بین افراد را شکل داده و از روابط بین افراد نیز حاصل می‌شود؛ بنابراین تولید و بازتولید آن با افراد جامعه رابطه‌ای توأمان دارد. سرمایه اجتماعی سرمایه و منافع است که افراد در ارتباط با هم کسب می‌کنند و به نوعی در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرا می‌خواند و می‌توان آن را از اصل بر پایه مشارکت بنا کرد. با این تفاسیر، مشارکت سیاسی که یکی از ابعاد مشارکت تلقی می‌شود در نتیجه سرمایه اجتماعی تولید، رشد و دوام می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برنامه‌ریزی و غنی‌سازی فرهنگ اجتماعی و سیاسی و سازمانی است که با تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی و صنفی و حرفه‌ای، به شکل‌گیری روابط مشارکتی بین افراد و نهادها و در نتیجه مشارکت در حوزه‌های مختلف از جمله سیاسی، یاری می‌رساند. *

پی‌نوشت‌ها

۱. غلامرضا غفاری، «تیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان»، پایان‌نامه دکتری، (دانشگاه تهران: ۱۳۸۰)، ص ۴۲.
2. Burkely, S., *People First: A Guide to Self-Reliant Participatory Rural Development*, (London: Zedbooks, 1996), p. 65.
۳. علیرضا محسنی تبریزی، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه بین بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی»، نامه پژوهش، ۱۳۷۵، شماره ۱، ص ۵۴.
۴. نیکلاس ابرکرامبی، استفان هیل و برایان. اس. ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، (تهران: چاپخش، ۱۳۶۷)، ص ۲۸۶.
5. H. Macclosky, "Political participation, David L, Sills (ED), *International Nyclopedia of the Social Sciences*, Vol. 12-13, (New York: Memilan Company and Free Press, 1968), p. 249.
6. Swanson, J., "The Economy and Its Relation to Politics: Robert Dahl, Neoclassical Economics, and democracy", *Polity*, 2007, Vol. 39, pp. 208-233.
7. Lipset, S. M., *Political Man*, (New York: Anchor Books, 1963), p. 32.
8. Lipset, S.M., *Political Man*, (Heinemann Educationals Book Ltd, Eighth Published in Great Britain, 1976), p. 48.
۹. محسنی تبریزی، پیشین، ص ۵۳.
10. Bourdieu, P., *The Forms of Capital*, edited by John G Richardson, (New York: Greenwood Press, 1986), p. 243.
11. Teorell, J., "Linking Social Capital to Political Participation: Voluntary Associations and Networks of Recruitment in Sweden", *Scandinavian Political Studies*, 2003, Vol. 26, pp. 49-66.
12. Pattie, C. Seyd, P. and Whitely, P., "Citizenship and Civic Engagement: Attitudes and

- Behavior in Britain”, *Political Studies*, 2003, Vol. 51, pp. 443-468
13. Zehu, Y., “Measuring the social capital of laid-off Chinese workers”, *Current Sociology*, 2002, Vol. 50. pp. 555-571.
14. Bourdieu, Op. Cit., p. 243.
15. Portes, A., “Social capital: its origins and applications in modern sociology”, *Annual Review of Sociology*, 1998, Vol. 24: pp. 1-25.
16. Coleman, J. S., *Foundations of social theory*, (Cambridge: Harvard University Press, 1990), p. 302.
17. Fukuyama, F., *Trust: the social virtues and the creation of prosperity*, (London: Hamish Hamilton, 1995), p. 10.
18. Putnam, R. D., “Bowling alone: America's declining social capital”, *Journal of Democracy*, 1995, Vol. 6, pp. 65-78.
19. Loury, G., “The economics of discrimination: Getting to the core of the problem”, *Harvard Journal for African American Public Policy*, 1992, Vol. 1, pp. 91-110.
20. Woolcock, M., “Social capital and economic development: Towards a theoretical synthesis and policy framework”, *Theory and Society*, 1998, Vol. 27, p. 153.
۲۱. محمدرضا معینی، زهرا تشکر، «نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه»، *رفاه اجتماعی*، ۱۳۸۱، شماره ۴، صص ۲۵-۴۲.
22. Tsai, W., “Social Capital, Strategic Relatedness and the Formation of Intraorganizational Linkages Strategic”, *Management Journal*, 2002, Vol. 21, pp. 925-939
۲۳. سید احمد فیروزآبادی، «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران»، *پایان‌نامه دکتري*، دانشکده علوم اجتماعی، (تهران، ۱۳۸۴)، ص ۱۲۹.
۲۴. مصطفی ازکیا، حسین ایمانی جاجرمی، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر»، *نامه علوم اجتماعی*، ۱۳۸۴، شماره ۲۶، صص ۳۳-۶۴.
25. Putnam, Op. Cit., pp. 65-78
26. Colman, Op. Cit., p. 302.
۲۷. سید مهدی الوانی، میر علی سید نقوی، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ۱۳۸۰، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۷-۳.
28. Nahapiet, J. and Ghoshal, S., “Social Capital, Intellectual Capital”, *Andthe Organizational Advantage, Academy of Management Review*, 1998, Vol. 23, pp. 242-266.

29. Granovetter, M. S., "Strength of Weak Ties", *American Journal of Sociology*, 1973, Vol. 78, pp. 1360-1380.
30. Balaji R. Koka, J. E. Prescott., "Strategic Alliances as Social Capital: A Multidimensional View", *Strategic Management Journal*, 2002, Vol. 23, pp. 795-816.
31. Luhmann, N., *Trust and Power*, London: Pittman, 1979.
32. Scholz, J.T. and M. Lubell, "Trust and Taxpaying: Testing the Heuristic Approach to Collective Action", *American Journal of Political Science*, 1998, 42 (2), pp. 398-417.
33. Yamagishi, T., *The structure of trust: The evolutionary games of mind and society*, Tokyo University Press, 1998.
34. Fukuyama, F., *Op. Cit.*, London: Hamish Hamilton. 1995.
35. Miller, Arthur H., "Political Issues and Trust in Government: 1964-1970", *American Political Science review*, 1974, Vol. 68, pp. 951-72.
36. Moy, P, Scheufele DA., "Media effects on political and social trust", *WIN. Journalism & Mass ommunication Quarterly*, 2000, Vol. 77, pp. 744-759.
37. Finifter, A. W. "Dimensions of Political Alienation," *American Political Science Review*, 64, 2, June 1970, pp. 389-410.
38. Newton, K., Social and political trust in established democracies. In PippaNorris (Ed.), *Critical citizens: Global support for democratic government*, (Oxford, UK: Oxford University Press, 1999), pp. 169-187.
39. Craig, Stephen. C., *he Malevolent Leaders: Popular Discontent in America*, (Boulder, CO: Westview Press, 1993).
40. Wilkins, K. G., "The Role of Media in Public Disengagement from Political Life", in *Journal of Broadcasting and Electronic Media*, 2000, Vol. 44, pp. 569-580.
41. Uslaner, Eric M., *The Moral Foundations of Trust*, (New York: Cambridge University Press, 2002).
42. Shah, D. V., "Civic engagement, interpersonal trust, and TV use: An individual-level assessment of social capital", *Political Psychology*, 1998, Vol. 19, pp. 469-494.
43. Scheufele, D. A., "Deliberation or dispute? An exploratory study exam-ining dimensions of public opinion", *International Journal of Public Opin-ion Research*, 1999, Vol. 11, pp. 25-58.

44. Verba, Sidney, Kay Lehman Schlozman, and Henry E. Brady, *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*, (Cambridge: Massachusetts: Harvard University Press, 1995).
45. Levine, Jeffrey., *The Social Logic of Politics: Personal networks as contexts for political behavior*, (Philadelphia: Temple University Press, 2005).
46. Kotler-Berkowitz, L., "Friends and Politics: Linking Diverse Friendship Networks to Political Participation" in Zuckerman, A.S. (ed), *The Social Logic of Politics. Personal Networks as Contexts for Political Behavior*, (Philadelphia, PA: Temple University Press, 2005), pp. 51-74.
47. Guest, A.M., and R. S. Oropesa., "Informal social ties and political activity in themetropolis", *Urban Affairs Quarterly*, 1986, Vol. 21, pp. 550-74.
48. Lake, R.L., Huckfeldt, R., "Social Networks, Social Capital, and Political Participation", *Political Psychology*, 1998, Vol. 19, pp. 567-584.
49. Knoke D., "Networks of political action: toward theory construction", *Soc: Forces*, 1990, Vol. 68, pp. 1041-63.
50. Smith, Elizabeth S., "The Effects of Investments in the Social Capital of Youth on Political and Civic Behavior in Young Adulthood: A Longitudinal Analysis", *Political Psychology*, 1999, Vol. 20, pp. 553-580.
51. Latane, B., & Darley, J. M., *The unresponsive bystander: Why doesn't he help?*, (New York: Appleton Century Crofts, 1970).
52. Cialdini, R. B., Reno, R. R., & Kallgren, C. A., "A focus theory of normative conduct: Recycling the concept of norms to reduce littering in public places", *Journal of Personality and Social Psychology*, 1990, Vol. 58, pp. 1015-1026.
53. Baumeister, R. F., & Leary, M. R., "The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation", *Psychological Bulletin*, 1995, Vol. 117, pp. 497-529.
54. Gerber, A. S. & Rogers, T., "Descriptive Social Norms and Motivation to Vote: Everyone's Voting and so Should You", *The Journal of Politics*, 2009, Vol. 71, pp. 178-191.
55. Glynn, C. J., M. E., & Lunney, C. A., "The influence of Perceived social norms on

college students intention to vote”, *Political Communication*, 2009, Vol. 26, pp. 48-64.

۵۶. مایکل راش، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳.

۵۷. منصور وثوقی، عبدالرسول هاشمی، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آبطلیل، تل اشکی)»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱-۴۲، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴.

۵۸. همان، ص ۱۷۵.

59. Shah, Op. Cit., pp. 469-494.

60. Guest, A. M., and R. S. Oropesa. Op. Cit., pp. 550-74.

۶۱. وحید قاسمی، رضا اسماعیلی و کامران ربیع، «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۶، ۱۳۸۵، صص ۲۴۸-۲۲۵.

62. Fukuyama, F, Op. Cit.